

متن پرسش

استاد عزیز سلام: جناب داورى اردکانی در انتهای مقدمه مفصل کتاب خردسیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی می‌نویسد: «خرد در زمان توسعه نیافتگی علیل می‌شود زیرا این زمان _ اگر بتوان آن را زمان نامید _ برای رشد و شکوفاشدن خرد مناسب نیست و به این جهت است که تخم استعدادها در زمین آن تباه می‌شود. همیشه و در همه‌جا امثال سوفوکل و سقراط و هیپوکراتس و فردوسی و بیرونی و ابن‌سینا و شکسپیر و گالیله و دکارت و ... هستند اما هر زمین و هوایی مستعد و مهیای پرورش آنها نیست. جهان توسعه نیافته باید به عقیم بودن زمانش تذکر پیدا کند.» من هم در کنار همین پاراگراف چنین نوشتم: «شهادای انقلاب اسلامی و امامین امت کجای داستان قرار می‌گیرند؟ به نظر من سردار شهید سلیمانی بزرگ متفکر تاریخ است که هیچ کدام از این متفکرانی که دکتر نام برده جایای اون نگذاشته و نخواهد گذاشت! و تازه این یکی از شاگردان مکتب خمینی است که خود مکتبی است!» دو سوال مهم دارم: ۱. نظرتون بر حاشیه‌ای که بنده با فهم ناقص خود کنار مطلب دکتر نوشتم؟ ۲. به نظر شما چرا دکتر داورى بر مسئله‌ای همچون کرونا توجه جدی می‌کند و سه یادداشت می‌نویسد در حالی که آرام و بی‌سر و صدا از اتفاق بزرگ و تاریخی همچون شهادت حاج قاسم عبور می‌کند؟ آیا اینقدر ارزشمند نبود که در مقام تذکر و فلسفه به آن سیل عظیم مردم هم توجه می‌کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. نکته‌ی خوبی را متذکر شدید زیرا ما از طریق مکتب حضرت روح الله «رضوان‌الله تعالی علیه» به کلی خود را از دوگانه‌ی توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی می‌توانیم خارج کنیم و تعریف دیگری از انسان را ارائه دهیم، تعریفی که جهان تشنه‌ی آن است و حاج قاسم‌ها با بصیرت خاص جهانی‌شان نماد آن جهان هستند. ۲. آقای دکتر داورى به عنوان یک فیلسوف، بنا دارند فیلسوفی کنند و متذکر وضع تاریخی باشند که بشر گرفتار آن است و در هر سه یادداشت خود در مورد کرونا، ما را به تفکر نسبت به وضعی که در آن هستیم، دعوت می‌کنند و با توجه به این امر، خود را در جایگاهی نمی‌بینند که احساس کنند باید نسبت به حاج قاسم سخن بگویند و گرنه در این مورد، نگاه خوبی دارند. موفق باشید